

اجرای زود هنگام تعهدات قراردادی در فقه امامیه، حقوق ایران و اسناد بین‌المللی

سید محمد تقی علوی^۱ - حسین یوسفی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۲۶

چکیده

در نظام حقوق قراردادهای، قاعده کلی اجرای قرارداد در موعد مقرر است و هرگونه انحراف از چنین قاعده‌ای چه با تأخیر یا عدم اجرای آن، با واکنش سخت قانون‌گذار مواجه شده و همین امر قانون‌گذار را بر آن داشته تا در پاسداشت این قاعده کلی، دست به تأسیس ضمانت اجراهایی بزند. به موازات این قاعده کلی، امکان دارد تحت شرایطی، متعهد زودتر از موعد مقرر به اجرای تعهد اقدام کند که از آن به اجرای زود هنگام تعبیر می‌شود و همه تردیدها از اینجا شروع می‌شود که در صورت تعیین زمانی برای اجرای تعهد، آیا متعهد می‌تواند قبل از موعد مقرر، اقدام به اجرای زود هنگام تعهد نماید؟ برخلاف قوانین برخی از کشورها که موضع روشنی در این باره دارند، در مقررات قانونی ایران، اجرای زود هنگام تعهد، برخلاف تأخیر اجرای آن، مورد توجه قرار نگرفته است. در آثار حقوقی نیز چندان سابقه تحلیلی و بررسی موضوع دیده نمی‌شود، اما این موضوع در فقه مورد مطالعه قرار گرفته و دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص آن ارائه شده است. لذا تحلیل و بررسی بیشتر فقهی و حقوقی موضوع، با مطالعه تطبیقی در اسناد بین‌المللی و در نتیجه، ارائه پیشنهادی در راستای الگو گیری قانون گذاری آینده در قالب الحاق ماده‌ای به قانون مدنی در مبحث وفای به عهد، مورد نظر ماست.

واژگان کلیدی: قرارداد، تعهد، اجرای تعهد، زمان اجرای تعهد، اجرای زود هنگام

Alavi @tabrizu.ac.ir
yousefi.hossein66@gmail.com

۱. استاد حقوق خصوصی دانشگاه تبریز. (نویسنده مسئول)
۲. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تبریز.

مقدمه

یکی از خصوصیات تعهد، زمان اجرای آن است که از شرایط تأثیرگذار در روابط طرفین در اجرای تعهد و از عوامل اثرگذار بر مسئولیت طرفین تعهد به شمار می‌آید. زمان اجرای تعهد موعدی است که دو طرف تعهد به‌طور صریح یا ضمنی بر آن توافق می‌کنند و در صورتی که توافقی در بین نباشد ممکن است با توجه به عرف و عادت یا طبیعت پیمان تعیین شود.

در اغلب نظام‌های حقوقی، حاکمیت اراده به‌عنوان اصل اول در تعیین زمان اجرای قرارداد است سپس قانون، دادگاه و عرف نیز ایفای نقش می‌کنند ممکن است طرفین برای اجرای تعهد، زمانی را معین کنند در این صورت پرسش این است که آیا متعهد می‌تواند قبل از موعد آن را اجرا کند؟ به‌عبارت‌دیگر آیا اجرای زودهنگام تعهد قبل از موعد مورد توافق طرفین از سوی متعهد امکان‌پذیر است یا خیر؟ در تحقیق حاضر سعی شده است بعد از بررسی موضوع از جوانب مختلف، به این سوال پاسخ داده شود اما در همین جا اشاره می‌شود شاید در نگاه نخستین چنین به نظر برسد که اجرای زودهنگام تعهد چیزی جز احسان به متعهدله نیست و بنابراین متعهد در اجرای پیش از موعد اختیار مطلق دارد اما باید توجه داشت که گاه اجرای زود هنگام تعهد به‌مانند تأخیر در اجرای قرارداد از اشکال تخلف از زمان اجرای قرارداد به شمار آمده و نکوهش شده است

در حقوق ایران هیچ نص قانونی در خصوص اجرای زودهنگام تعهد دیده نمی‌شود گرچه بامراجعه به متون قانونی نمونه‌هایی از اجرای زودهنگام رامی‌توان استنباط کرد دکتین حقوقی نیز در برخی از موارد با استنباط از مواد پراکنده قانونی در خصوص اجرای زودهنگام و امکان چنین ایفایی نظر داده‌اند در حالی که به‌جا بود قانون‌گذار حکم صریحی در این خصوص وضع می‌کرد همچنان که قوانین پاره‌ای از کشورها نیز در این خصوص موضع روشنی دارند.

اما فقه ما در این زمینه نسبت به قانون ما پیش‌تاز بوده و همچون قوانین برخی کشورها در خصوص امکان یا عدم اجرای زودهنگام تعهد از سوی متعهد موضع خود را به‌صراحت بیان کرده است در تحقیق حاضر در پاسخ به این سوال که آیا متعهد می‌تواند زودتر از موعد مقرر اقدام به ایفای تعهد کند یا خیر؟ ما ابتدا دیدگاه فقها را به دو قسمت فقه امامیه و عامه بررسی کرده و سپس موضوع را از منظر قوانین موضوعه و نیز دیدگاه حقوقدانان بامطالعه تطبیقی در اسناد بین‌المللی مورد بحث قرار خواهیم داد.

۱- مفهوم اجل

اجل در لغت به معنای گاه، به هنگام، زمان، وقت مرگ، هنگام مرگ، غایت زندگی، عمر، اجل موعود، زمانه، نهایت فرصت برای ادای فرض آمده است.^۱

در قرآن کریم این واژه در موارد متعددی به کار رفته است؛ از جمله در آیه ۲۸۲ سوره بقره که به معنای انتهای مدت یا زمان ادای التزام است^۲ و نیز در آیه ۴۹ سوره یونس به معنای مهلت است^۳، گاهی نیز مانند آیه ۲ سوره طلاق اجل به معنای عمر به کار رفته است.^۴

در اصطلاح فقهی، از اجل به عنوان مدتی مستقبل برای امری از امور یاد کرده‌اند خواه برای ایفای یک التزام یا انتهای آن معین شده باشد و این مدت ممکن است به حکم شرع (اجل شرعی) باشد یا توسط قاضی (اجل قضایی) تعیین شود یا اینکه اراده طرفین (اجل قراردادی) در تعیین آن نقش داشته باشد.^۵

چه در فقه و چه در حقوق، از اجل معمولاً به عنوان «سررسید» یاد می‌شود. در اصطلاح حقوقی، از اجل تعاریف متعددی شده است. به اعتقاد برخی از حقوقدانان اجل مدتی است که امکان مطالبه دین یا تعهد را به تأخیر می‌اندازد و از عوارض و قیود تعهد به شمار می‌رود^۶ و درجایی دیگر اجل را رویدادی قلمداد کرده‌اند که بی‌گمان در آینده رخ خواهد داد و امکان مطالبه دین یا ادامه تعهد را معلق می‌کند^۷ پاره‌ای از اساتید در تعریف اجل گفته‌اند که اجل عبارت است از نقطه زمانی که برای پایان کاری یا کیفی در نظر گیرند^۸ و در آثار دیگرشان تعهد را از عناصر اجل شمرده‌اند^۹ در قواعد عمومی قراردادها، اجل تأثیر مستقیمی بر تعهد و بالتبع مسئولیت طرفین قرارداد دارد به همین دلیل است که در حقوق فرانسه، اجل را از اوصاف تعهد می‌دانند.^{۱۰}

۱. معین، محمد، فرهنگ لغت، چاپ هفتم، انتشارات سپهر، ۱۳۷۱، ص ۱۵۰.
۲. وزارت اوقاف و شئون اسلامی، الموسوعه الفقهیه، جلد ۲، چاپ دوم، کویت، ۱۴۰۴، ص ۵؛ در آیه ۲۸۲ سوره بقره آمده است: یا ایها الدین آمنو إذا تداينتم بدين الی اجل مسمى فاکتوبه و لیکتب بینکم کاتب بالعدل...».
۳. و کل لنفسه اجل...».
۴. فاذا بلغن اجلهن فامسکوهن بمعروف أو فارقوهن بمعروف ...
۵. عبدالرحمان، محمود، معجم المصطلحات و الفاظ الفقهیه، ج ۱، قاهره، نشر دارالفضیله، بی تا، ص ۶۶-۶۷.
۶. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲، ص ۱۲۲.
۷. همان، ص ۱۲۳.
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول، چاپ ۱۳، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲، ص ۱۵۹.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، الفارق، جلد اول، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۶، ص ۱۵۳؛ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، فرهنگ عناصر شناسی، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲، ص ۳۱.
۱۰. سنهوری، عبدالرزاق، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، ج ۳، قاهره، منشورات حلبی الحقوقی، بی تا، ص ۲۰.

در برخی از نوشته‌ها، سررسید مقرر برای انجام تعهد و یا پرداخت دین و اتمام مسئولیت را اجل گفته‌اند.^۱ در هر صورت اجل با چنین مفهومی به معنای خاص آن به کار رفته این معنا از اجل نتیجه شرط ضمن عقدی است که موضوع آن قرار دادن مهلتی برای اجرای قرارداد است به عبارت دیگر این معنا از اجل، معنای محصولی شرط اجل است.^۲

۲- اقسام اجل

اجل ممکن است قراردادی باشد، اجل قراردادی، موعدی است که طرفین آن را معین می‌کنند مانند موعد در عقد اجاره و قرض، در واقع مهم‌ترین منشأ اجل، چه اصل تعهد قراردادی باشد یا قهری، همین توافق طرفین است این اجل از سویی ممکن است به صورت صریح یا ضمنی باشد. در اجل قانونی، این قانون‌گذار است که مدتی را برای ایفای تعهد در نظر می‌گیرد که آن را اجل قانونی می‌گویند. مهلت قانونی نیز از نظر طبیعت نوعی مهلت عادلانه است که اعمال اجرایی متعهد را به تأخیر می‌اندازد با این تفاوت که مقام مهلت دهنده قانون است نه قاضی با وجود این نباید آن را از اقسام مهلت‌های قضایی شمرد.^۳ اجل قضایی هم موعدی است که دادگاه جهت ایفای تعهد در اختیار متعهد قرار می‌دهد؛ مانند آنچه در بخش دوم ماده ۲۷۷ ق.م.آ آمده است در این قسمت ماده می‌خوانیم «... حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون، مهلت عدله یا قرار اقساط بدهد».^۴

۳- ذینفع اجل

در قانون مدنی ایران، اصلی که ذینفع اجل را اعلام کند تأسیس نشده اما با عنایت به اینکه اجل معین شده برای ایفای تعهد ممکن است به سود یکی از طرفین قرارداد یا هر دو باشد می‌توان اجل را به سه دسته تقسیم کرد:

الف- گاه اجل تنها به سود متعهد یا بدهکار است به اعتقاد برخی از حقوق‌دانان شرط اجل به طور معمول به سود بدهکار است تا طلبکار نتواند پیش از فرارسیدن آن دین را مطالبه کند. در این صورت، التزام ناشی از شرط بر طلبکار تحمیل می‌شود ولی بدهکار (مشروطه له) می‌تواند از

۱. انصاری، مسعود و طاهری، محمد علی، *دانشنامه حقوق خصوصی*، ج ۱، ۲، تهران، ۱۳۸۶، محراب دانش، ص ۹۱.

۲. شهیدی، مهدی، *شروط ضمن عقد*، چاپ ۲، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۷، ص ۲۰.

۳. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی- نظریه عمومی تعهدات*، منبع پیشین، ص ۱۵۲.

۴. همان، ص ۱۴۲.

امتیازی که دارد صرف نظر کند و دین را پیش از موعد بپردازد.^۱ ماده ۲۴۴ قانون مدنی مثالی در این خصوص است.

ب- گاه ممکن است اجل تنها به سود طلبکار باشد برای مثال، ممکن است در قرارداد وامی شرط شود که بدهکار نمی‌تواند پیش از موعد دین را بپردازد و سرمایه‌گذاری طلبکار را برهم زند.^۲ بنابراین در چنین صورتی متعهد نمی‌تواند زودتر از موعد، اقدام به ایفای تعهد کند.

ج- گاه ممکن است ذینفع اجل، دو طرف قرارداد باشد در این صورت جز به تراضی قابل اسقاط نیست مانند بلیت مسافرت هواپیما، قطار، کشتی که نه مسافر و نه بنگاه مسافربری هیچ‌کدام حق ندارد قبل از موعد در مقام اجرا تعهد خود برآید کفالت مؤجل از این قبیل است.^۳

۴- بررسی اجرای زود هنگام تعهدات قراردادی در فقه امامیه

در بین فقهای امامیه نسبت به اینکه آیا متعهد می‌تواند زودتر از موعد مقرر، اقدام به ایفای تعهد کند یا خیر؟ اختلاف نظر وجود دارد. در پاسخ به این مسئله، فقها دو نظر متفاوت دارند دسته‌ای اجرای پیش از موعد تعهد را از سوی متعهد جایز نمی‌دانند، دسته‌ای دیگر برخلاف نظر مخالفین، اجرای زود هنگام تعهد به وسیله متعهد را تجویز کرده‌اند. هر کدام از این دسته برای خود دلایلی مطرح کرده‌اند که ما در ادامه به بررسی نظرات مخالفین و موافقین و دلایلی ابرازی آنها، خواهیم پرداخت.

۴-۱- دیدگاه مخالفان

مشهور فقها معتقدند که اجرای زود هنگام تعهد از سوی متعهد جایز نیست چرا که در عقد اجل به سود هر دو طرف است.^۴

برخی از فقها در بحث عقد بیع، به امکان یا عدم امکان ایفای زود هنگام تعهد، پرداخته‌اند و در بحث تادیه ثمن از ناحیه مشتری، معتقدند پرداخت ثمن موجد پیش از موعد مقرر واجب نیست

۱. همان، ص ۱۲۹.

۲. همان، ص ۱۳۰.

۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق تعهدات، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸، ص ۱۷۳.

۴. حسینی روحانی قمی، سید صادق، منهاج الفقاهه (للروحانی)، جلد ۶، قم - ایران، انوار الهدی، ۱۳۲۱ ه ق، ص ۴۶۶؛ غروی اصفهانی، محمد حسین، حاشیه کتاب المکاسب، جلد ۵، قم، نشر انوار الهدی، ۱۴۱۸، ص ۳۴۱؛ انصاری، مرتضی، المکاسب، ج ۶، چ ۱، قم، کنگره ی جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق.

هرچند که بایع مطالبه کند و بر این امر دو دلیل ذکر کرده‌اند: الف. فقها بر این مسئله اجماع دارند که در جامع المقاصد والریاض نقل شده است ب. اصولاً فایده شرط تعجیل و تأخیر این است که به نفع مشتری می‌باشد به این صورت که دست مشتری باز باشد و بتواند با تأخیر آن را بپردازد لذا اگر با این شرط هم دفع ثمن واجب باشد لازمه آن این خواهد بود که شرط لغو و بی فایده باشد و این قابل قبول نیست.^۱

برخی از فقها ضمن اینکه پرداخت ثمن پیش از موعد را واجب نمی‌دانند معتقدند قبول و گرفتن ثمن نیز در چنین وضعیتی بر بایع، واجب نیست و برای این مطلب دو دلیل مطرح کرده‌اند: الف. نفی خلاف و بلکه به قول صاحب ریاض این مطلب اجماعی است.^۲ محقق ثانی هم در جامع المقاصد در باب بیع سلم فرموده است بعضی از فقهای عامه در مسئله مخالف‌اند و قبول را بر بایع واجب دانسته‌اند و این مطلب مفهومی است که نزد امامیه مسئله اجماعی است و قبول بر بایع واجب نیست.^۳

ب. تعلیلی است که علامه در تذکره^۴ کرده است به این صورت که در این کتاب علامه در باب بیع سلم، حکم به عدم وجوب قبول بر تذکره را معلل کرده است به اینکه تعجیل و پرداخت زودتر از موعد مانند این است که مشتری تبرعاً و مجاناً چیزی بیش از ثمن به بایع بدهد که به نوعی منت گذاشتن است و بایع مکلف نیست زیر بار منت کسی برود.^۵

برخی نیز ضمن اینکه پرداخت زودتر از موعد را در واقع زیادی حاصل در مال متعهدله دانسته‌اند که پذیرش آن به نوعی مستلزم منت است و او دارای این اختیار است که از پذیرش آن خودداری کند، در نهایت تملک مقدار اضافی را جز با قبول متعهدله امکان‌پذیر ندانسته‌اند.^۶

۱. ابن محمد امین شیخ انصاری دزفولی، مرتضی، کتاب‌المکاسب، جلد سوم، چاپ قدیم، قم، منشورات دارالزخائر، ۱۴۱۱ هـ ق، صفحه ۱۵۵؛ حسینی روحانی قمی، سید صادق، منهاج الفقاهه (للمروحاتی)، جلد ۶، قم - ایران، انوار الهدی، ۱۲۲۱ هـ ق، ص ۴۶۵.
۲. طباطبایی (صاحب ریاض)، سیدعلی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلایل، ج ۸، ج ۱، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. ص ۲۱۹.

۳. ابن حسین عاملی کرکی (محقق ثانی)، علی، جامع المقاصد، ج ۴، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۴۹.

۴. علامه حلی، تذکره الفقهاء، جلد ۱، تهران، نشر مکتب رضوی، بی تا، صص ۵۵۸-۵۵۹.

۵. طباطبایی قمی، سید تقی، عمدة المطالب فی التعلیق علی‌المکاسب، جلد ۴، چاپ اول، قم، کتاب فروشی محلاتی، ۱۴۱۳ هـ ق، صفحه ۱۰۷-۱۰۸؛ ابن علی تبریزی، جواد، ارشاد الطالب الی‌تعلیق علی‌المکاسب، جلد ۴، قم - ایران، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۶ هـ ق، ص ۵۵۰.

۶. حسینی روحانی قمی، سید صادق، فقه الصادق علیه السلام، جلد ۱۷، قم، دارالکتاب، مدرسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۲ ق، ص ۴۲۰-

۴۲۲؛ حسینی روحانی قمی، سید صادق، منهاج الفقاهه (للمروحاتی)، منبع پیشین، ص ۴۶۸.

درواقع تنها با قبول متعهدله، این نوع تملک مازاد را ممکن دانسته‌اند. البته نظر این دسته از فقها که پرداخت زودتر از موعد را به نوعی مستلزم منت بر بایع دانسته‌اند مورد نقد گرفته، به این صورت که یک دسته از فقها معتقدند اجرای پیش از موعد همواره مستلزم منت بر متعهدله نمی‌شود چرا که گاه ممکن است متعهد برای اینکه زودتر از بار تعهد، رهایی یابد اقدام به ایفای پیش از موعد کند و پذیرش اجرای زود هنگام منتی از جانب طلبکار بر بدهکار تلقی می‌شود.^۱

بعضی از فقها در اعلام نظر خود مبنی بر عدم وجوب پذیرش اجرای پیش از موعد از ناحیه متعهدله، به بیانی از شیخ طوسی (ره) پرداخته که معتقد است شرط اجل، همان‌طور که حقی است به نفع مشتری، این حق به نفع بایع متعهدله نیز می‌باشد از این جهت که مشتری را ملزم کرده است در یک مدت معین، مال بایع را در ذمه خودش حفظ کند و درواقع بایع مشتری را مثل ودعی و مستودع قرار داده و این خود حقی است که عرف برای بایع قائل شده است.^۲

به اعتقاد برخی از فقها اگر مدیون بخواهد با اسقاط اجل، زودتر از موعد مقرر، به ایفای تعهد عمل کند این امر امکان‌پذیر نیست زیرا اجلی که ضمن عقد لازم ثابت شده است با اراده یک طرف ساقط نمی‌شود و تنها راه اسقاط آن، تراضی دو طرف است؛ بنابراین به لحاظ اینکه چنین شرطی در ضمن عقد لازم تعیین شده رعایت آن بر هر دو طرف واجب است؛^۳ بنابراین ایشان شرط اجل را سبب ایجاد حق بر هر دو طرف می‌دانند و به دلیلی که متعهد را نمی‌توان مجبور به اجرای پیش از موعد تعهد کرد به همان دلیل متعهدله را نیز نمی‌توان ملزم کرد که پیش از موعد، مورد تعهد را قبول کند لذا به نظر ایشان سقوط حق جز با تراضی طرفین صحیح نیست.^۴

مطابق نظر دیگر در تعهداتی که موجد است اجل از اوصاف تعهد است و وصف به این دلیل که تابع موصوف است به تنهایی قابل اسقاط نیست^۵ برخی از فقها در این خصوص به بیان نظری از

۱. طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم، حاشیه المکاسب (للیزدی)، جلد ۲، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۲۱ ق، ص ۱۷۸.

۲. حسینی روحانی قمی، سیدمحمد، المرتقی الی الفقه الارقی، کتاب الخیارات، جلد ۲، موسسه الجلیل للتحقیقات الثقافیه (دارالجلی)، تهران، ایران، ۱۴۲۰ ه. ق، ص ۳۲۷؛ طباطبایی قمی، سیدتقی، در اساتنا من الفقه الجعفری، جلد ۲، قم، چاپ خیام، ۱۴۰۰ ه. ق، صفحه ۴۷۶؛ ابن محمد امین انصاری دزقولی، مرتضی، کتاب المکاسب، منبع پیشین، صفحه ۱۱۶؛ حسینی روحانی قمی، سید صاد، منهاج الفقاهه، منبع پیشین، ص ۴۶۶.

۳. ابن حسین عاملی کرکی (محقق ثانی)، علی، جامع المقاصد، جلد ۵، ج ۲، قم، موسسه آل‌البیت، ۱۴۱۴ ق، صفحه ۴۱.

۴. طباطبایی قمی، سیدتقی، مبانی منهاج الصالحین، جلد ۸، قم، قلم‌الشرق، ۱۴۲۶ ق، صفحه ۱۶۴؛ عراقی، آقا ضیاء‌الدین، شرح تبصره‌المتعلمین، جلد ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ ق، صفحه ۳۶۵؛ موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، دارالعلم، بی تا، ص ۵۳۵.

۵. شیرازی، سیدمحمد، ایصال الطالب الی المکاسب، جلد ۱۶، ج ۱، تهران، منشورات اعلی، بی تا، ص ۴۹.

علامه در تذکره پرداخته‌اند که در باب شرط ضمنی، عدم سقوط اجل با اسقاط را این گونه معلل کرده که اجل صفت بوده و صفت تابع موصوف است و صفت از موصوفش جدا نمی‌شود و مستقلاً قابل اسقاط نیست لذا اگر جودت یا صحت را در گندم و دینار ساقط کند، وصف صحت آن ساقط نمی‌شود.^۱

بعضی از فقها به نقل از علامه در تذکره و قواعد در باب عقد قرض در پاسخ به این سوال که اگر مشتری اجل و مدت دین خود را اسقاط کند آیا با اسقاط او، این حق اسقاط می‌شود و بایع حق پیدا می‌کند که پیش از موعد مطالبه کند؟ فرموده‌اند که به نظر علامه ساقط نمی‌شود و طلبکار حق ندارد فی الحال و نقداً ثمن را مطالبه کند بلکه باید تا مدت مضبوط صبر کند و در ادامه به تعلیل محقق ثانی در جامعه المقاصد به این فتوای علامه پرداخته‌اند که تعلیل ایشان به این صورت است اولاً تعجیل و مدت دار بودن در ضمن عقد لازم (قرض) ثابت شده است و همان طور که اصل عقد با اختیار یک طرف زایل نمی‌شود و نیاز به اقاله و ترازی دارد همین طور تعجیل با شرط ضمنی هم با اسقاط مدیون ساقط نمی‌شود ثانیاً اجل تنها حق مدیون نیست تا قابل اسقاط باشد بلکه حق صاحب دین هم هست.^۲ در واقع به نظر ایشان به لحاظ اینکه اجل حق صاحب دین هم می‌باشد بنابراین شرط اجل به صورت یک جانبه قابل اسقاط نیست و همانند اصل عقد فقط با اقاله می‌توان آن را اسقاط کرد و بعضی از فقها هم همین نظر را معتقدند.^۳

بعضی نیز خریدار را در قبول اجرای زود هنگام مختار می‌دانند چه ما را قبض کرده باشد، چه قبض نکرده باشد.^۴

به نظر برخی اگر تعجیل حق طرفین نباشد بلکه حق الهی باشد یعنی نذر تعجیل کنند، حتی اتفاق بر سقوط هم فایده ندارد، چون حق مال آن دو نیست تا با توافق آن‌ها ساقط شود. حق مال خداوند است و ساقط نمی‌شود.^۵

۱. حسینی روحانی قمی، سید صادق، منهاج الفقاهه (لروحانی)، منبع پیشین، ص ۴۶۹.
 ۲. حسینی روحانی قمی، سید صادق، ص ۴۶۶؛ شیخ انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، منبع پیشین، ص ۱۱۶.
 ۳. کمپانی، محمدحسین، حاشیه کتاب المکاسب، جلد ۵، چاپ اول، قم، نشر انوار الهدی، ص ۳۴۲-۳۴۳.
 ۴. ابن محمد بن نعمان اکبری بغدادی محمد، مفید، المقننه، قم، کنگر، جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۵۹۵؛ عاملی، زین الدین بن علی، منبع پیشین، ص ۳۳۴.
 ۵. حسینی روحانی قمی، سید صادق، منهاج الفقاهه، پیشین، ص ۴۶۹.

۲-۴- دیدگاه موافقان

برخی از فقها، موافق اجرای زود هنگام تعهد هستند و چنین ایفایی را مورد تأیید قرار داده و به همین خاطر دلایل یاد شده توسط مخالفان اجرای زود هنگام را مورد انتقاد قرار داده‌اند.

به اعتقاد برخی از فقها، اجرای پیش از موعد تعهد همواره مستلزم منتهی از جانب بدهکار بر طلبکار نیست بلکه گاه ممکن است مدیون بر رهایی از بار تعهد، اقدام به اجرای پیش از موعد تعهد کند و قبول اجرای زود هنگام، منتهی از جانت طلبکار بر بدهکار تلقی می‌شود.^۱

به نظر برخی، برخلاف قول علامه در تذکره که در باب بیع سلم حکم بر عدم وجوب قبول بایع را معلل کرده بر اینکه پرداخت پیش از موعد مثل این است که مشتری تبرعاً و مجاناً چیزی بیش از ثمن به بایع بدهد که این نوعی منت گذاشتن است و تعجیل در پرداخت مانند زیادی دادن است، بیان کرده‌اند که تعجیل بر حسب قواعد است و هیچ منتهی در آن نیست بلکه رساندن حق غیر به صاحبش است که این هم برخلاف اعطاء زیادی است و آنچه باعث منت است در اعطاء زیادی است.^۲

بعضی از فقها معتقدند در اجرای پیش از موعد، تعهد با همان کیفیت مورد توافق زمان عقد، بدون کم و کاستی یا زیادی به اجرا درمی‌آید در نتیجه در عقد بیع، در پرداخت پیش از موعد همان ثمنی که در زمان عقد مورد توافق قرار گرفته به متعهدله داده می‌شود بنابراین چیز اضافی داده نمی‌شود که مستلزم منت باشد و اگر بر فرض چنانچه تصور شود که ثمن اضافه‌ای پرداخت می‌شود این زیاده به مالکیت متعهدله در نمی‌آید چرا که چنین امری مستلزم آن است که ایجاب و قبول جدیدی واقع شود در حالی که در پرداخت پیش از موعد، پرداخت انجام گرفته در محدوده همان توافق انجام می‌پذیرد بدون اینکه عقد یا توافق جدیدی واقع شود.^۳

بعضی از فقها احتمال داده‌اند شاید کلام علامه در تذکره مبتنی بر فرع دوم از شرط باشد یعنی جایی که مشتری که پیش از موعد تن به ایفای تعهد کند و بخواهد اسقاط اجل کند، که در این صورت با اسقاط کردن ساقط نمی‌شود و تعجیل اگر تبرعی باشد در آن صورت بر بایع منت است زیرا در تبرع با وجود حق برای مشتری منت وجود دارد البته اگر اسقاط مورد قبول واقع شود به

۱. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، حاشیه المکاسب (للیردی). منبع پیشین، ص ۱۷۸.

۲. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه (المکاسب)، جلد ۷، بی تا، ص ۵۶۴ و ۵۶۵.

۳. کمپانی، محمد حسین، حاشیه کتاب المکاسب، پیشین، ص ۳۴۱.

اعتقاد ایشان دیگر منتهی وجود نخواهد داشت.^۱ ایشان در ادامه برای توضیح مطلب فوق، در مورد ثبوت حق اعلام نظر کرده‌اند و وجود منت را در مواردی که اشتراط (تأخیر ثمن) بر حسب مقام ثبوت بوده و بر سه فرض می‌باشد مورد بررسی قرار داده و حسب اینکه ذینفع شرط اجل فقط مشتری یا بایع یا هردو باشد فرق گذاشته‌اند و فقط موردی که ذینفع شرط مشتری باشد به او اجازه داده‌اند قبل از سررسید ثمن را پرداخت کند.^۲

یکی از انتقاداتی که مخالفان اجرای زود هنگام تعهد داشتند این بود که اگر مدیون با اسقاط اجل بخواهد دین خویش را پیش از موعد پرداخت کند این امر امکان‌پذیر نیست به لحاظ اینکه، اجلی که با عقد لازم ثابت شده با اسقاط یکی از طرفین ساقط نمی‌شود و تنها راه تراضی دو طرف است موافقین اجرای زود هنگام تعهد، در رد این استدلال چنین ایراد می‌کنند که اولاً ثبوت اجل به وسیله عقد لازم منافاتی با سقوط آن از طریق اسقاط ندارد همان‌طور که شرط خیار که با اراده طرفین و با عقد لازم ثابت شده است بعد از عقد به وسیله مشروطه له قابل اسقاط می‌باشد.^۳

ثانیاً برخی از فقها معتقدند که شرط هر چند در ضمن عقد لازم ثابت شده لیکن آن حق، مخصوص مشتری است یعنی تنها مشتری ذینفع در اجل است و بایع در اجل مزبور حقی ندارد دیگر اینکه چون تنها مشتری ذینفع می‌باشد بنابراین باید بتواند شرط اجل را اسقاط کند گرچه شرط اجل در ضمن عقد لازم قرار گرفته باشد لذا اگر نتواند حق خود را اسقاط کند با اقاله هم نباید قابلیت اسقاط داشته باشد.^۴

به نظر برخی، اینکه بگوییم ذینفع اجل هر دو طرف و مشترک بین بایع و مدیون است صغری ممنوعه است زیرا اینجا فقط یک حق است که آن هم برای مشتری قرار داده شده و آن حق هم تعجیل است و اصولاً در تعجیل حقی بر بایع نیست که بین آن‌ها مشترک باشد به خاطر اینکه هیچ دلیلی بر آن وجود ندارد برای اینکه حق واحدی که برای جمع باشد یعنی افاده جمع کند فقط در ارث خیار متصور است اما اینجا معقول نیست به خاطر اینکه اطراف آن از جمیع جهات متعدد

۱. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه (المکاسب)، منبع پیشین، ۵۶۵.

۲. همان، صص ۵۶۵-۵۶۶.

۳. نجفی (صاحب جواهر)، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، منبع پیشین، ص ۱۱۵.

۴. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه (المکاسب)، منبع پیشین، ص ۵۶۶.

است!^۱

پاره‌ای از فقها نیز که اجرای زود هنگام را جایز می‌دانند اعتقاد دارند جز در مواردی که نفع مشروعی در اجرای تعهد در زمان معین وجود داشته باشد متعهدله نمی‌تواند مانع اجرای آن شود استدلالی که می‌آورند این است که اولاً دلیلی بر منع وجود ندارد، ثانیاً در همه تعهدات، مقصود نهایی این است که متعهدله به مورد تعهد برسد و با انجام زود هنگام تعهد نیز این نتیجه حاصل می‌شود لذا آنان متعهدله را ملزم به قبول اجرای پیش از موعد تعهد می‌دانند.^۲

برخی از فقها اجماع ادعاشده بر عدم امکان اجرای زود هنگام تعهد را رد و اظهار نموده‌اند که بسته به اینکه در مقام ثبوت شرط به نفع چه کسی باشد وظیفه طرف مقابل در پذیرش اجرای پیش از موعد متفاوت خواهد بود.^۳

پاره‌ای از فقها به استدلال کسانی که معتقدند تعجیل از صفات تابعه است مثل صفت جوده (خوبی و...) همان‌طور که صفتی که در عین اخذ شده غیر قابل اسقاط بوده حق تعجیل هم، غیر قابل اسقاط است به عبارتی از دیدگاه آنان در تعهدات مؤجل صفت از اوصاف تعهد است و وصف به دلیل اینکه تابع موصوف است به تنهایی قابل اسقاط نیست، اشکال وارد می‌کنند به این صورت که مقایسه بین حق تعجیل و حق مأخذ در عین، قیاسی مع الفارق است زیرا وصف مأخوذ در عین، عنوان و ویژگی برای عین یا مبیع محسوب می‌شود پس غیر قابل اسقاط خواهد بود به عبارت دیگر مشتری در بیع، مالک شیء وصف شده می‌شود و این غیر قابل تغییر است ولی شرط و جعل حق، قابلیت اسقاط دارد و اینکه مشتری می‌تواند از این حق خود رفع نماید و آن را ساقط کند.^۴

برخی معتقدند کسی که شرط برای اوست می‌تواند آن را اسقاط کند زیرا چنین حقی را دارد و اینکه أجل از اوصاف تعهد است و به لحاظ تابع بودن، مانع از اسقاط نیست، برای مثال اگر اعتبار خوب بودن و سالم بودن در مبیع از باب فقط اشتراط بود و بیع بر مطلق گندم واقع می‌شد و بر گندم معمولی یا دینار معمولی واقع می‌شد و مشتری سالم بودن را شرط می‌کرد در آن صورت

۱. همان، ص ۵۶۷.

۲. حسینی سیستانی، سیدعلی، *منهاج‌الصالحین*، جلد دوم، چاپ پنجم، قم، دفتر حضرت آیت‌الله سیستانی، ۱۴۱۷ ق، صفحه ۶۷؛ بصری بحرانی، محمدامین زین‌الدین، *کلمه‌التقوی*، جلد دوم، چاپ سوم، قم، سیدجواد وداعی، ۱۴۱۶ ق، ص ۴۸.

۳. خوانساری، سیداحمد بن یوسف، *جامع‌المدارک فی شرح مختصر النافع*، جلد ۳، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۵ ق، صفحه ۱۸۷.

۴. طباطبایی قمی، سید تقی، *عمده‌المطالب فی التعلیق علی‌المکاسب*، جلد ۴، ایران، کتاب‌فروشی محلاتی، ۱۴۱۳ هـ ق، ص ۱۰۹.

قابل اسقاط بود و در موضوع مورد مقایسه آنچه مانع اسقاط است بودن وصف قید در مبیع است (مبیع مقید به وصف خاصی است) و بودن مبیع از نوع خاص است نه اینکه تبعیت (وصف خاص) مانع از اسقاط حق باشد و گرنه اگر تابع بودن (وصف بودن به صفتی) مانع از اسقاط باشد در آن صورت هیچ شرطی از شروط اسقاط حتی با اقاله نیز مورد قبول واقع نمی شد در حالی که این از بدیهیات است.^۱

۵- بررسی اجرای زودهنگام تعهد در قوانین موضوعه

در حقوق ایران، نص صریحی در رابطه با اجرای زودهنگام تعهد، وجود ندارد گرچه از مطالعه برخی مواد قانون مدنی، می توان تلویحاً، مواردی را در این زمینه کشف و استنباط کرد در حالی که قوانین داخلی پاره‌ای از کشورها موضع گیری روشنی در این باره دارند برای مثال در حقوق سوئیس، به صراحت بند (ا) ماده ۸۱ قانون تعهدات آن کشور، که مقرر می کند:

«متعهد می تواند تعهد خود را قبل از حال شدن آن انجام دهد مگر اینکه اراده مخالف طرفین در این مورد از شروط قرارداد یا طبیعت آن و یا از اوضاع و احوال برآید»^۲. یا برعکس در قانون مدنی اسپانیا اجرای پیش از موعد تعهد از سوی متعهدله، مردود اعلام شده است (ماده ۱۱۲۷ قانون مدنی) در حقوق کشورهای پرتغال، استرالیا و انگلیس نیز اجرای پیش از موعد تعهد از سوی متعهد له قابل رد اعلام شده در ایتالیا نیز متعهدله می تواند از قبول تعهد پیش از موعد خودداری کند مگر اینکه اجل تنها به سود متعهد باشد.^۳

اما همان طور که اشاره شد در حقوق ایران حکمی که صراحتاً در خصوص اجرای زودهنگام باشد، وجود ندارد اما موادی از قانون مدنی و سایر قوانین موضوعه یافت می شود که با تفسیر و مطالعه آن ها تلویحاً موضوع اجرای پیش از موعد را از آن استنباط می کنیم بعضی از این مواد در بحث قواعد عمومی قراردادها یافت می شوند و بعضی هم در قالب عقود مختلف بیان شده اند که ما سعی می کنیم هر کدام را حسب مورد از جایگاه عقود مختلف و قواعد عمومی قراردادها

۱. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه (المکاسب)، منبع پیشین، ص ۵۶۸.

۲ واحدی، جواد، قانون تعهدات سوئیس، (مترجم)، تهران، میزان، ۱۳۷۸، ص ۳۳۳-۳۳۴.

۳. Lando ile A Beale Hugh (eds), *the principles of European contract law part I and III*, prepared by the commission of European contract law, the Hague, London, Kluwer law international, ۲۰۰۰, p ۳۲۵.

بررسی می‌کنیم.

در عقد بیع قانون‌گذار نسبت به زمان اجرای تعهد حکمی کلی را بیان کرده که در ماده ۳۹۴ آن بیان می‌دارد: «مشتري باید ثمن را در موعد و در محل و بر طبق شرایطی که در عقد بیع مقرر شده تادیه کند» گرچه این حکم در خصوص ثمن معامله و در عقد بیع بیان شده است اما به نظر می‌رسد به‌عنوان یک قاعده کلی از آن می‌توان استنباط کرد که تعهد باید در اجل معین ایفا شود و نمی‌توان متعهد را به اجرای زود هنگام تعهد ملزم کرد.

در عقد ضمان مطابق ماده ۷۱۵ ق.م.: «هرگاه دین مدت داشته و ضامن قبل از موعد آن را بدهد مادام که دین حال نشده نمی‌تواند از مدیون مطالبه کند» در این ماده امکان پرداخت دین توسط ضامن پیش از موعد، به‌طور ضمنی مورد تأیید قرار گرفته است.

در عقد کفالت ماده ۷۴۴ ق.م. نیز در ارتباط با تعهد کفیل مقرر کرده: «اگر کفیل مکفول را در غیر زمان و مکان مقرر یا برخلاف شرایطی که تعیین کرده‌اند تسلیم کند قبول آن بر مکفول‌له لازم نیست اما اگر قبول کرد، کفیل بری می‌شود. همچنین اگر مکفول‌له برخلاف مقرر بین طرفین تقاضای تسلیم کند، کفیل ملزم به قبول نیست» آنچه از مطالعه دو قسمت ماده مزبور می‌توان فهمید این است که در حکم این ماده، کفیل و مکفول‌له هر دو ذینفع اجل هستند بنابراین هیچ‌کدام به تنهایی نمی‌توانند پیش از موعد به اجرای تعهد اقدام کنند یا اینکه آن را قبل از سررسیدن موعد، مطالبه کنند.

در عقد قرض ماده ۶۵۱ ق.م. مقرر می‌دارد: «اگر برای ادای قرض به وجه ملزومی اجلی معین شده باشد، مقرض نمی‌تواند قبل از انقضاء مدت طلب خود را مطالبه کند»^۱ به نظر برخی از حقوقدانان کسی که شرط به سود او مقرر شده می‌تواند از آن صرف‌نظر کند پس اگر معلوم شود تنها به سود وام‌دهنده بوده مطالبه وام پیش از فرارسیدن اجل امکان دارد.^۲ با این وصف می‌توان گفت این ماده، امکان مطالبه طلب پیش از موعد را از مقرض سلب کرده لیکن چون شرط اجل به نفع مقرض است او می‌تواند از این شرط صرف‌نظر کند و به ایفای پیش از موعد اقدام کند در نتیجه مطابق این ماده، امکان ایفای پیش از موعد برای مقرض هیچ منعی ندارد ضمن اینکه هیچ ضرری نیز به حقوق مقرض وارد نمی‌کند.

۱. در حقوق انگلیس ر.ک: تریتل، «Treitel»، حقوق قراردادهای، لندن، ۱۹۸۳، ص ۵۶۶.

۲. کاتوزیان، ناصر، حقوق ملزومی - عقود معین، جلد ۱، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲، ص ۴۴۲.

قانون مدنی در مبحث دوم در احکام شرط در ماده ۲۴۴ ق.م.مقرر کرده: «طرف معامله که شرط به نفع او شده می تواند از عمل به آن صرف نظر کند در این صورت مثل آن است که این شرط در معامله قید نشده باشد...» بعضی از نویسندگان به استناد این ماده بیان کرده اند که چون شرط اجل معمولاً به سود بدهکار است طلبکار پیش از موعد حق مطالبه ندارد اما مشروطه له (بدهکار) می تواند از این امتیاز صرف نظر کرده و دین را قبل از موعد پردازد.^۱

مطابق ماده ۲۶۶ ق.م.م که مقرر می کند «در مورد تعهداتی که برای متعهدله قانوناً حق مطالبه نمی باشد اگر متعهد به میل خود آن را ایفاء کند دعوی استرداد مسموع نخواهد بود» این ماده، مبتنی بر نظریه پوتیه در خصوص تعهدات طبیعی و اقتباس از بند ۲ ماده ۱۲۳۵ ق.م.فرانسه است که می گوید «دعوی استرداد نسبت به تعهدات طبیعی که به اراده و میل مدیون پرداخت شده پذیرفته نمی شود.»

در خصوص ماده ۲۶۶ ق.م. نظرات مختلفی بیان شده برخی از حقوقدانان به استناد ماده ۱۱۸۶ ق.م.ف که تعهد موجد از پیش اجرا شده را قابل استرداد نمی دانند، اجرای پیش از موعد را مضمول ماده ۲۶۶ ق.م. دانسته و غیر قابل استرداد می دانند.^۲

به اعتقاد برخی دیگر از حقوقدانان، اگر مدیون دین مؤجل خود را پیش از موعد پردازد حق استرداد آن را ندارد زیرا در واقع از امتیازی که داشته صرف نظر کرده و دین خود را پرداخته است رعایت ماده ۲۶۶ ق.م. که ناظر به مدیون طبیعی است (دینی که هیچ گاه حق مطالبه آن را ندارد) در دین مؤجل اولی است زیرا دین مؤجل را به طور موقت نمی توان مطالبه کرد بنابراین مطابق این ماده اگر مدیون، دین مؤجل خود را پیش از موعد پردازد حق استرداد آن را به لحاظ انصراف از امتیازی که داشته، ندارد.^۳ برخی نیز معتقدند ماده ۲۶۶ ق.م فقط اثر ناشی از اجرای پیش از موعد را که همان عدم امکان استرداد تعهد ایفا شده است را ذکر می کند.^۴

۱. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، منبع پیشین، صفحه ۱۲۹؛ صفایی، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، منبع پیشین، ص ۱۹۸.

۲. شهیدی مهدی، آثار قراردادها و تعهدات، جلد سوم، چاپ ششم، انتشارات مجد، ۱۳۹۳، ص ۱۳۶.

۳. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، منبع پیشین، ص ۱۳۰.

۴. شعاریان، ابراهیم و قربانزاده، محمد، (۱۳۹۲). «مبانی فقهی و حقوقی اجرای پیش از موعد قرارداد با مطالعه تطبیقی در اسناد بین المللی»، فصلنامه دانش حقوق مدنی، سال دوم، شماره ۱، ص ۶۸.

ماده ۲۵۶ ق.ت در این خصوص مقرر می‌کند «شخصی که وجه برات را قبل از موعد تأدیه نموده، در مقابل اشخاصی که نسبت به وجه برات حقی دارند مسئول است». به موجب این ماده پرداخت پیش از موعد برات موجب مسئولیت پرداخت کننده است. برخی از حقوقدانان در تفسیر این ماده معتقدند اگر پرداخت برات پیش از موعد انجام پذیرد برات‌گیری که قبل از سررسید پرداخت می‌کند در مقابل دارنده قانونی که سر موعد مراجعه کند، برات‌گیر مسئولیت دارد و باید یکبار دیگر وجه برات را پرداخت کند.^۱

از طرفی به موجب ماده ۴۰۵ ق.ت. قبل از رسیدن اجل دین اصلی، ضامن ملزم به تأدیه نیست ولو اینکه به واسطه ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین موجد او حال شده باشد. بنابراین مستفاد از این ماده، ضامن ملزم به ایفای قبل از موعد نیست اما به نظر می‌رسد او اختیار پرداخت پیش از موعد را داشته باشد.

از سویی ماده ۴۰۵ ق.ت در مورد حال نشدن دین ضامن در اثر ورشکستگی مدیون اصلی به موجب ماده ۴۲۲ ق.ت در مورد اسناد تجاری تخصیص خورده است.

مطابق ماده ۴۲۲ ق.ت که مقرر می‌دارد: «هرگاه تاجر ورشکسته فته طلبی داده یا براتی صادر کرده که قبول نشده یا براتی را قبولی نوشته سایر اشخاصی که مسئول تأدیه وجه فته طلب یا برات می‌باشند باید با رعایت تخفیفات مقتضی نسبت به مدت وجه آن را نقداً بپردازند یا تأدیه آن را سر وعده تأمین کنند.» در این ماده قانون‌گذار سایر مسئولین اسناد تجاری را به پرداخت پیش از موعد ملزم کرده است.

از طرفی در حقوق ایران اجرای پیش از موعد در مواد یک تا شش آیین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری پذیرفته شده است و این آیین‌نامه در صورتی اجازه اجرای پیش از موعد را داده که تنزیل دوازده درصدی صورت گیرد. عملیات مربوط به خرید دین بر مبنای آیین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) خصوصاً ماده ۲ آن و مقررات اجرایی آن در مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۶ که به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده و متعاقباً در شورای نگهبان نیز مطرح و با اکثریت آرا منطبق با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته شده است و نیز اصلاحیه بعدی آیین‌نامه

۱. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارب (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، چاپ دهم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۵، صفحه ۱۲۳؛ ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارب، جلد سوم، چاپ بیستم، دادگستر، ۱۳۹۰، ص ۸۵

مذکور مصوب ۱۳۶۶/۹/۲۴ شورای پول و اعتبار، انجام می‌پذیرد.

۶- بررسی اجرای زود هنگام تعهد از دیدگاه حقوقدانان

برخی از حقوقدانان، در بررسی امکان اجرای زود هنگام تعهد، به موضوع ذینفع اجل پرداخته و معتقدند که شرط اجل معمولاً به سود بدهکار است تا طلبکار نتواند پیش از فرارسیدن آن، دین را مطالبه کند در این صورت التزام ناشی از شرط بر طلبکار تحمیل می‌شود ولی بدهکار (مشروطه‌له) می‌تواند از امتیازی که دارد صرف نظر کند و دین را پیش از موعد آن بپردازد ولی گاه ممکن است اجل به سود طلبکار باشد: برای مثال ممکن است در قرارداد وامی شرط شود که بدهکار نمی‌تواند پیش از موعد معین، دین را بپردازد و سرمایه‌گذاری طلبکار را به هم بزند. در قراردادهای وامی که بقای آن نفعی برای طلبکار دارد ظاهر این است که اجل به سود هر دو طرف برقرار شده و هیچ کدام حق تجاوز به آن را ندارد پس ممکن است اجل به سود مدیون یا طلبکار یا هر دو باشد در دو فرض نخست، مشروطه‌له می‌تواند از حق ویژه خود بگذرد ولی در فرض اخیر بر هم زدن شرط اجل نیاز به تراضی دو طرف دارد^۱.

برخی از حقوقدانان معتقدند اجرای تعهد، پس از رسیدن اجل تعیین شده قابل مطالبه است خواه تعهد به صورت وحدت مطلوب باشد مانند تعهد بر تهیه تجهیزات لازم برای برگزاری نمایشگاه ده‌روزه، یا اینکه تعهد به صورت تعدد مطلوب باشد مانند تعهد معمار بر احداث یک سال از تاریخ تشکیل قرارداد که پس از فرارسیدن ابتدای یک سال مزبور اجرای تعهد معمار می‌تواند مورد مطالبه قرار گیرد تفاوتی که دو گونه تعهد مزبور با یکدیگر دارد این است که در تعهد به صورت وحدت مطلوب پس از گذشتن مدت مقرر قابل مطالبه نیست برخلاف تعهدی که به صورت تعدد مطلوب است^۲.

از این بیان می‌توان نتیجه گرفت، در تعهدهایی که به صورت وحدت مطلوب است تعهد حتماً باید در زمان مقرر، انجام شود بنابراین اجرای زود هنگام تعهد در این فرض امکان‌پذیر نیست. به اعتقاد بعضی از اساتید، در صورتی که ثابت شود ذینفع اجل متعهد است این اجل از ناحیه وی قابل اسقاط است زیرا هر شرطی از ناحیه مشروطه‌له قابل اسقاط است ماده ۲۴۴ ق.م در این خصوص

۱. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، ص ۱۳۰-۱۲۹.

۲. شهیدی، مهدی، آثار قراردادها و تعهدات، منبع پیشین، ص ۱۳۴-۱۳۵.

مقرر می‌دارد: «طرف معامله که شرط به نفع او شده می‌تواند از عمل به آن شرط صرف‌نظر کند در این صورت مثل آن است که این شرط در معامله قید نشده باشد...».

برخی از نویسندگان حقوقی معتقدند، در تعهداتی که طرفین، هر دو طرف باید رعایت زمان انجام تعهد را کنند مانند بلیت مسافرت هواپیما، قطار، کشتی که نه مسافر می‌تواند قبل از فرارسیدن زمان اجرا تعهد، اجرا آن را بخواهد و نه بنگاه مسافربری حق دارد قبل از موعد در مقام اجرای تعهد خود برآید در این گونه موارد اوضاع و احوال مختص تعهد، راه‌حل را به ما نشان می‌دهد و مشکلی نمی‌ماند کفالت مؤجل هم از این قبیل است در غالب تعهدات هم عرف و عادت معامله نشان می‌دهد که زمان اجرای تعهد که در عقد تعیین شده فقط متعهدله را مقید می‌کند پیش از موعد حق مطالبه نداشته باشد مانند ماده ۶۵۱ ق.م که مقرر می‌دارد: «اگر برای ادای قرض به وجه ملزومی اجلی معین شده باشد مقرض نمی‌تواند قبل از انقضای مدت طلب خود را مطالبه کند» اما متعهد می‌تواند قبل از موعد در مقام انجام تعهد خود برآید و ام‌گیرنده در ماده ۶۵۱ ق.م و در تمام عقود رهن این وضع را دارد.^۱

۷- اسناد بین‌المللی

۷-۱- کنوانسیون بیع بین‌المللی

به موجب بند اول ماده ۵۲ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اگر فروشنده کالا را زودتر از موعد مقرر تسلیم کند خریدار مختار است آن را بپذیرد یا از قبول آن امتناع ورزد. بنابراین به موجب این بند خریدار در رد یا قبول کالایی که پیش از موعد تحویل داده شود مختار بوده و دارای حق انتخاب است منظور از عبارت موعد مقرر در عنوان پیش از موعد ممکن است روز معین یا یک بازه زمانی مشخص باشد و چنانچه به صورت معین در قرارداد مشخص نشود موعد تحویل کالا طبق ماده ۳۳ کنوانسیون مشخص می‌شود.^۲

برخی از شارحان کنوانسیون در شرح ماده ۵۲ ضمن اینکه اجرای پیش از موعد را نقض قرارداد دانسته، بیان داشته‌اند اجرای زودتر از موعد کمتر از موردی نیست که کالا با تأخیر زیاد و

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق تعهدات، پیشین، ص ۱۷۳-۱۷۲.

۲- (۱۹۸۷) ۷۹- will, michael, bianca-bonel, commentary on the international sales Law, Giuffre ۳۸۲.

به مقدار بسیار کمتر از آنچه در قرارداد مقرر شده تحویل شود^۱ در تفسیر این ماده اظهار نظر شده اجرای زودهنگام، شامل موردی است که در قرارداد، اجل تعهد به صورت مشخص تعیین شده باشد در غیر این صورت با عدم تعیین زمان اجرای قرارداد، صحبت از اجرای پیش از موعد منتفی است.

باید توجه داشت اینکه متعهد در عدم تحویل قبل از موعد دارای آزادی و اختیار است مطابق ماده ۷ کنوانسیون با تعهد حسن نیت محدود شده است.^۲

به اعتقاد برخی از شارحان کنوانسیون، اعمال بند ۱ ماده ۵۲ نیازمند آن است که قرارداد تفسیر شود و اختیار خریدار در رد تحویل پیش از موعد کالا نیازمند آن است که زیان احتمالی اثبات شود یا نقض اساسی رخ دهد حتی خریدار به استناد سود کم نیز می تواند به رد نامتعارف متوسل شود این اختیار خریدار به معنای فسخ قرارداد از سوی او نیست و فروشنده می تواند کالا را در موعد مجاز مقرر در قرارداد تحویل دهد^۳

در شرح ماده ۵۲ کنوانسیون، عده ای معتقدند رد اجرای زودهنگام در تحویل کالا، با استناد به ضرورت رعایت اصل حسن نیت مطابق ماده ۷ کنوانسیون و عرف و عادت (ماده ۹ کنوانسیون) نیز می تواند محدود شود.^۴

باید توجه داشت اگر خریدار به درستی اجرای زودهنگام را رد کند فروشنده باید کالا را در زمان موعد مقرر در عقد تحویل دهد اما اگر راضی به تحویل پیش از موعد کالا باشد متعهد است مطابق ماده ۵۳ کنوانسیون ثمن معامله را بر اساس شرایط مقرر در قرارداد و کنوانسیون پرداخت کند.^۵

با توجه به اینکه ماده ۵۲ کنوانسیون، ذیل بخش سوم یعنی طرق جبران نقض قرارداد به وسیله فروشنده ذکر شده بنابراین اجرای پیش از موعد توسط فروشنده نقض قرارداد محسوب می شود.

۱. داراب پور، مهرباب، ترجمه حقوق بیع بین المللی (کنوانسیون ۱۹۸۰ وین)، چاپ اول، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۴، ص ۲۲۹.

۲. will and bonell, op.cit. lo.cit .

۳. Honnold, John & Flechtner, Harry M., (۲۰۰۹), *uniform Law for international sales under the 1980 united nations convention*, The Netherlands. kluwer law international, p. ۴۵۸.

۴. Enderlin, Fritz & Maskow, (۱۹۹۲), *Diertrich, international sales Law: united nations convention on contracts for the international sales of goods*, Oceana pub.

۵. Uncitral Digest of case Law on the United Nations convention on contracts for the international sale of Goods United Nations, New York, ۲۰۱۲ ed, p. ۲۴۸.

چراکه اجرای زودرس تعهد به‌مانند تأخیر اجرای قرارداد ممکن است خساراتی را به خریدار وارد کند و ماده ۵۲ کنوانسیون با شناخت دقیق از اهمیت تسلیم کالا در موعد مقرر، اجرای زودرس آن را به‌عنوان یکی از اقسام نقض قرارداد محسوب نموده است.^۱

موضوع دیگر اینکه آیا قبول تسلیم پیش از موعد کالا توسط خریدار تعدیل قرارداد محسوب می‌شود یا خیر؟ در پاسخ به این سوال برخی معتقدند در صورتی می‌توان چنین امری را تعدیل قرارداد محسوب کرد که امارات خاصی از قصد طرفین در این خصوص موجود باشد در غیر این صورت بحث تعدیل منتفی بوده و خریدار می‌تواند مطابق بند یک ماده ۴۵ و ۷۴ به بعد کنوانسیون مطالبه خسارت نماید.^۲

۲-۷- اصول حقوق قراردادهای اروپا

در بسیاری از قوانین فرض بر این است که متعهد می‌تواند به اجرای زودهنگام تعهد اقدام کند اما اصول حقوق قراردادهای اروپا در انطباق با نیازهای روز قراردادی نظری مخالف و حکمی ویژه دارد از آنجا که اجرای پیش از موعد ممکن است منجر به ورود هزینه‌های اضافی یا ایجاد مشکلاتی برای متعهدله شود از همین رو ماده ۱۰۳-۷ اصول حقوق قراردادهای اروپا مقرر دارد طرف قرارداد اصولاً می‌تواند از قبول اجرای پیش از موعد خودداری کند مگر اینکه قبول اجرای موردنظر به صورت غیرمعارفی به منافع وی آسیب نرساند که در چنین صورتی مکلف به پذیرش آن است بنابراین چنانچه اجرای پیش از موعد برای طرف دیگر هیچ خسارت و مشقتی را ایجاد نکند بر اساس اصل حسن نیت طرف مزبور نمی‌تواند از قبول اجرای پیش از موعد خودداری کند. بنابراین اصول حقوق قراردادهای اروپا اعمال اختیار طرف مقابل را در رد یا قبول اجرای پیش از موعد مشروط نموده و شرط مزبور این است که طرف قرارداد احساس کند با قبول اجرای پیش از موعد آسیب غیر معارفی به وی نخواهد رسید که در چنین صورتی وی مکلف به قبول اجرای زودهنگام تعهد است.

۱. s. Eselen, *a comparison of the remedies for breach of contract under the cisG and south Law*, (basedow et al, eds, *aufbruch nach Europa-۷۰ jahre max-plank-institut fur privatrecht*.mohr siebeck;Tubingen ۲۰۰۱).

۲. p Huber & A Mullis, A, *the cisG: A new textbook for students and practitioners*, (sellier ۲۰۰۷), p. ۲۹۸.

استثنای دیگر مربوط به تعهدات پولی است چراکه در تعهدات پولی اصولاً پرداخت پیش از موعد ضرری را به متعهد له وارد نمی‌سازد بنابراین بر اساس اصل حسن نیت متعهد ملزم به قبول اجرای پیش از موعد است مگر اینکه پرداخت پیش از موعد در تعهدات پولی از نظر بهره و منافع آثاری را به دنبال داشته باشد.^۱ در واقع همانند آنچه در ماده ۱۰۳-۷ اصول حقوق قراردادهای اروپا، بحث شده باید میان تعهدات پولی و غیر پولی تفکیک قایل شد در تعهدات پولی اصولاً پرداخت پیش از موعد ضرری به متعهد له وارد نمی‌سازد ولی در تعهدات غیر پولی ممکن است اجرای پیش از موعد برای متعهد له خساراتی را در پی داشته باشد، برای مثال اگر صاحب رستوران متعهد شده باشد تعدادی غذا برای میهمانان جشن عروسی در اول دی تدارک ببیند اجرای تعهد قبل از این تاریخ برای متعهد له سودی نخواهد داشت.

در حقوق تطبیقی نیز برای مثال در حقوق ایتالیا همانند اصول حقوق قراردادهای اروپا، متعهد له می‌تواند اجرای پیش از موعد را رد کند مگر آنکه زمان فقط به نفع متعهد در نظر گرفته شده باشد در حقوق انگلیس نیز خریدار کالا می‌تواند اجرای پیش از موعد را رد کند.^۲

۳-۷- اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی

بر اساس ماده ۵-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، متعهد له می‌تواند اجرای پیش از موعد تعهدات را رد کند مگر اینکه نفع مشروعی در این کار نداشته باشد. این حکم، ناشی از ضرورت رعایت اصل حسن نیت است که در شرح رسمی ذیل ماده ۷-۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مقرر شده است.^۳ و ماده ۵-۱-۶ اصول مزبور به‌عنوان موردی که رعایت حسن نیت در آن الزامی بوده در نظر گرفته شده است.

مطابق بند ۲ ماده ۱۰۳-۷ اصول مزبور قبول اجرای پیش از موعد از سوی یک طرف قرارداد

^۱ Lando ole & beale hugh (eds) (۲۰۰۰), *the principls of European contract law part IandIII, prepared by the commission of europear contract law, the huge, Iondon, Kluwer law international*, p. ۳۳۴; Ying.colin.(۲۰۰۷), *time for delivery and early delivery:comparison between the provision of CISG articles ۳۳ and ۵۲ (۱)and the counterpart provisions of the PECL (articles ۱:۱۰۲),an international approach to the international of the united nations convention*, p.۳۶۳- ۳۶۴.

^۲ Lando, ole&beale.Hugh(eds), *op. cit.*, p.۳۳۵.

^۳Joachim bonell Michael(۱۹۹۷) *an international restatement of contract law*, ۲nd ed new yourk, ۱۹۹۷, p.۸۷.

تأثیری در زمان معین شده برای اجرای تعهد خود او نخواهد داشت.^۱ البته این حکم موردی را شامل می‌شود که موعد اجرای تعهد برای متعهد له مشخص بوده و ارتباطی با اجرای تعهد طرف دیگر که پیش از موعد انجام می‌پذیرد، ندارد.^۲ هرگاه متعهدله نفع مشروعی در اجرای سر موعد قرارداد نداشته باشد در این صورت وی نمی‌تواند از قبول اجرای پیش از موعد خودداری کند این گونه مواقع متعهدی که اجرای زودهنگام را پیشنهاد می‌کند خودش باید ثابت کند که طرف مقابل نفع مشروعی ندارد. موضوع دیگر اینکه در اصل مزبور، اجرای پیش از موعد ذیل فصل ششم و با عنوان «اجرای تعهدات» بیان شده است. ناگفته نماند برخلاف ماده ۵۲ کنوانسیون، اصل مزبور به طور صریح نسبت به اجرای پیش از موعد محدودیت در نظر گرفته است.

۴-۷- پیش‌نویس طرح مشترک مرجع

به موجب بند اول ماده ۱۰۳-۲ پیش‌نویس طرح مشترک مرجع متعهد می‌تواند اجرای پیش از موعد را رد کند مگر اینکه چنین اجرایی، خسارت نامتعرفی برای وی تحمیل نکند. این طرح در حقیقت طرح اولیه و پیشنهادی برای قانون مدنی آینده اروپا تلقی می‌شود.^۳ در این پیش‌نویس نیز طرف قرارداد مختار در قبول یا رد اجرای زودهنگام است اما در صورتی که اجرای پیش از موعد خسارت یا ضرری به وی نرساند در آن صورت مکلف به پذیرش اجرای زودهنگام است.

بنابراین در پیش‌نویس طرح مشترک نیز همچون سایر اسناد بین‌المللی تکلیف متعهد در رد یا قبول اجرای زودهنگام روشن شده اگرچه ممکن است در نوع بیان و از حیث اجرای زودهنگام در جایگاه نقض تعهد یا اجرای تعهد قرار گرفته باشد تفاوت‌هایی وجود داشته باشد اما گاهی در بعضی اسناد عبارت مواد قانونی در خصوص اجرای پیش از موعد تقریباً مشابه است برای مثال از نظر عبارتی ماده ۱۰۳-۷ اصول حقوق قراردادهای اروپا تقریباً همان حکمی را بیان می‌کند که در پیش‌نویس طرح مشترک آمده است چراکه در هر دو اصولاً متعهد حق رد اجرای زودهنگام را

۱. christine zaccaria, Elana, (۲۰۰۴), "The Dilemma of good Faith in international commercial Trad", Macquarie journal of business Law, vol. ۱, ۱۱۱.

۲. I Bid.

۳. به نقل از شعاریان، ابراهیم و قربانزاده، محمد، منبع پیشین، ص ۷۱.

داشته مگر اینکه خسارت یا آسیب غیر متعارف به او نرساند.

نتیجه‌گیری

قانون مدنی ایران نسبت به اجرای زود هنگام تعهد با فقدان مقرر قانونی روبروست. از مجموع نظرات حقوقدانان چنین برمی آید جز در مواردی که متعهد ذینفع اجل نیست و یا در موردیکه تعهد به صورت وحدت مطلوب بوده، از اجرای زود هنگام تعهد به وسیله متعهد استقبال کرده‌اند به هر حال گرچه در حقوق ایران در مورد اجرای زود هنگام تعهد، نص صریحی وجود ندارد ولی بر طبق قاعده کلی می‌توان گفت اصل بر این است که در هر قراردادی، شرط اجل به سود متعهد است مگر اینکه از مفاد یا ماهیت آن و یا اوضاع و احوال حاکم، معلوم شود که اراده طرفین برخلاف آن بوده بنابراین او می‌تواند با اسقاط شرط اجل، قبل از موعد اقدام به ایفاء تعهد کند از ماده ۲۴۴ ق.م نیز این مطلب قابل فهم است.

موضوع دیگر اینکه برخلاف حقوق ایران، اسناد بین‌المللی حکم صریحی در این خصوص دارند در بند ۱ ماده ۵۲ کنوانسیون وین و ماده ۱۰۳-۷ اصول حقوق قراردادهای اروپا، حق امتناع از اجرای زود هنگام برای طرف قرارداد پیش بینی شده است. و یا به موجب ماده ۵-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، متعهد می‌تواند اجرای پیش از موعد تعهدات را رد کند مگر اینکه نفع مشروعی در این کار نداشته باشد. و نیز به موجب بند اول ماده ۱۰۳-۲ پیش‌نویس طرح مشترک مرجع، متعهد می‌تواند اجرای پیش از موعد را رد کند مگر اینکه چنین اجرایی، خسارت نامتعارفی برای وی تحمیل کند.

در فقه، نظر مشهور بر عدم پذیرش اجرای زود هنگام است فقیهان دیگر نیز در این خصوص اختلاف نظر دارند. عمده دلایل مخالفان این است که بعضی در این باره به تعلق ارده طرفین به اشتراط اجل و ذینفع بودن آن دو در شرط اجل اشاره کرده و توضیح داده‌اند اغراض در اینجا یکسان نبوده و هر کدام غرض خاصی را در این مورد دنبال می‌کنند، برخی اجرای پیش از موعد را مستلزم نوعی منت برای متعهد دانسته که قبول اجرای پیش از موعد مستلزم پذیرش منت است، برخی نیز معتقدند در تعهدات مؤجل، اجل از اوصاف تعهد است و وصف به دلیل اینکه تابع موصوف است به تنهایی قابل اسقاط نیست، سرانجام عده‌ای گفته‌اند اگر مدیون بخواهد با

اسقاط اجل زودتر از موعد دین خود را پرداخت کند این امر امکان‌پذیر نیست زیرا اجلی که با عقد لازم ثابت شده است با اراده یک طرف ساقط نمی‌شود و تنها راه تراضی دو طرف است.

موافقان در نقد دلایل فوق گفته‌اند هر چند شرط اجل با اراده طرفین ثابت می‌شود ولی لزوماً به معنی ذینفع بودن طرفین در اجل نیست ثانیاً همیشه اجرای پیش از موعد موجب منت بر طلبکار نیست بلکه گاهی مدیون برای رهایی زودتر از بار تعهد، اقدام به ایفای پیش از موعد کند و پذیرش اجرای زودهنگام، متنی از جانب طلبکار بر بدهکار تلقی می‌شود، ثالثاً برخی نیز معتقدند اجل امتیازی است که برای متعهد در نظر گرفته شده و او می‌تواند از این امتیاز بگذرد بدون اینکه لازم باشد اصل تعهد را ساقط کند، رابعاً بعضی اعتقاد دارند که ثبوت اجل به وسیله عقد لازم منافاتی با سقوط آن از طریق اسقاط ندارد و همان‌طور که شرط خیار که با اراده طرفین و با عقد لازم ثابت شده بعد از عقد به وسیله مشروط له نیز قابل اسقاط است.

در پایان با عنایت به نتایج حاصله از این کار تحقیقی و با توجه به آنچه از دیدگاه‌های فقهی و توجه به برخی قوانین سایر کشورها و نیز اسناد بین‌المللی برداشت می‌شود، عبارت زیر به عنوان ماده الحاقی به قانون مدنی در مبحث وفای به عهد پیشنهاد می‌شود: «متعهد می‌تواند تعهد خود را پیش از موعد مقرر انجام دهد مگر اینکه اراده مخالف طرفین در این مورد از شروط قرارداد یا طبیعت آن و یا از اوضاع و احوال برآید».



منابع

فارسی

- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، چاپ دهم، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵).
- انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی، دانشنامه حقوق خصوصی، جلد اول، (تهران: محراب دانش، ۱۳۸۶).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دائره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد اول، (تهران: مشعل آزادی، ۱۳۵۷).
- _____، حقوق تعهدات، (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸).
- _____، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول، (تهران: گنج دانش، ۱۳۸۲).
- _____، فرهنگ عناصر شناسی، (تهران: گنج دانش، ۱۳۸۲).
- _____، الفارق، جلد اول، (تهران: گنج دانش، ۱۳۸۶).
- داراب پور، مهرباب، ترجمه حقوق بیع بین‌المللی (کنوانسیون ۱۹۸۰ وین)، (تهران: گنج دانش، ۱۳۷۴).
- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارب، چاپ بیستم، جلد سوم، (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۰).
- شعاریان، ابراهیم و قربانزاده، محمد، «مبانی فقهی و حقوقی اجرای پیش از موعد قرارداد با مطالعه تطبیقی در اسناد بین‌المللی»، فصلنامه دانش حقوق مدنی، شماره ۱، ۱۳۹۲.
- شهیدی، سید مهدی، آثار قراردادها و تعهدات، جلد سوم، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۳).
- _____، شروط ضمن عقد، تهران، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۷).
- صفایی، سید حسین و سایرین، حقوق بیع بین‌المللی، (تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۹۲).
- صفایی، سید حسین، حقوق مدنی- قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶).
- کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲).
- _____، عقود معین، جلد اول، (تهران: نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲).
- معین، محمد، فرهنگ لغت، (تهران: انتشارات سپهر، ۱۳۷۱).
- واحدی، جواد، قانون تعهدات سوئیس، (مترجم)، (تهران: نشر میزان، ۱۳۷۸).



عربی

- انصاری، مرتضی، *المکاسب*، جلد ششم، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵.
- بصری بحرانی، محمدامین زین‌الدین، *کلمه‌التقوی*، جلد دوم، قم، سیدجواد وداعی، ۱۴۱۶.
- تبریزی، جواد بن علی، *ارشاد الطالب الی تعلیق علی‌المکاسب*، جلد چهارم، قم-ایران، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۶.
- حسینی روحانی قمی، سید صادق، *فقه‌الصادق علیه‌السلام*، جلد هفدهم، قم، دارالکتاب، مدرسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۲.
- _____، *منهاج الفقاهه (لروحانی)*، جلد ششم، قم - ایران، انوارالهدی، ۱۲۲۱.
- حسینی روحانی قمی، سیدمحمد، *المرتقی الی الفقه الارقی*، الخیارات، جلد دوم، تهران-ایران، موسسه الجلیل للتحقیقات الثقافیه (دارالجلی)، ۱۴۲۰.
- حسینی سیستانی، سید علی، *منهاج‌الصالحین*، جلد دوم، چاپ پنجم، قم، دفتر حضرت آیت‌الله سیستانی، ۱۴۱۷.
- حلّی (علامه حلّی)، حسن بن یوسف، *تذکره الفقها*، جلد اول، تهران، نشرمکتب رضوی، بی تا.
- خوانساری، سیداحمدبن یوسف، *جامع‌المدارک فی شرح مختصرالنافع*، جلد سوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۵.
- دزفولی، مرتضی بن محمدامین شیخ انصاری، *کتاب‌المکاسب*، جلد سوم، قم، منشورات دارالذخائر، ۱۴۱۱.
- سنهوری، عبدالرزاق، *الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید*، جلد سوم، قاهره، منشورات حلبی الحقوقی، بی تا.
- شیرازی، سیدمحمد، *ایصال الطالب الی‌المکاسب*، جلد شانزدهم، تهران، منشورات اعلمی، بی تا.
- طباطبایی قمی، سید تقی، *دراساتنا من الفقه‌الجعفری*، جلد چهارم، قم-ایران، چاپ خیام، ۱۴۰۰.
- _____، *مبانی منهاج‌الصالحین*، جلد هشتم، قم، قلم‌الشرق، ۱۴۲۶.

- طباطبایی قمی، سید تقی، *عمده المطالب فی التعلیق علی المکاسب*، جلد چهارم، قم، کتاب فروشی محلاتی، ۱۴۱۳.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، *حاشیه المکاسب (للیزدی)*، جلد دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۲۱.
- طباطبایی (صاحب ریاض)، سید علی، *ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل*، جلد هشتم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲.
- عاملی کرکی (محقق ثانی)، علی بن حسین، *جامع المقاصد*، جلد پنجم، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۱۴.
- عبدالرحمان، محمود، *معجم المصطلحات و الفاظ الفقهیه*، جلد اول، نشر دارالفضیله، قاهره - مصر، بی تا.
- عراقی، آقا ضیاء الدین، *شرح تبصره المتعلمین*، جلد پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴.
- غروی اصفهانی، محمد حسین، *حاشیه کتاب المکاسب*، جلد پنجم، قم، نشر انوار الهدی، ۱۴۱۸.
- کمپانی، محمد حسین، *حاشیه کتاب المکاسب*، جلد پنجم، قم، نشر انوار الهدی، بی تا.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، *المقنعه*، قم، کنگر، جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
- موسوی خمینی، سید روح الله، *تحریر الوسیله*، جلد اول، قم، دارالعلم، بی تا.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *مصباح الفقاهه (المکاسب)*، جلد هفتم، بی تا.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمد حسین، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، جلد بیست و سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴.
- وزارت اوقاف و شئون سلامی، *الموسوعه الفقهیه*، جلد دوم، کویت، ۱۴۰۴.

English Sources

- Christine zaccaria, Elana, "The Dilemma of good Faith in international commercial Trad", *Macquarie journal of business Law*, vol. ۱, ۱۱۱, ۲۰۰۴.
- Enderlin, fritz & maskow, *Diertrich international sales Law: united nations convention on contracts for the international sales of goods*, oceana pub, ۱۹۹۲.
- Honnold, john & flechtner, harry M, *uniform Law for international sales under the ۱۹۸۰ united nations convention*, The Netherlands, kluwer law international,

۲۰۰۹.

- Joachim bonell Michael, *an international restatement of contract law*, ۲nd ed new yourk, ۱۹۹۷.

- Lando, ole&beale, Hugh(eds), *the.pinciples of European contract Law, part I&II, prepared by the commission on European contract Law, kluwer law international*, netherlands, ۲۰۰۰.

- P. Huber & A Mullis, A, *the cisG:A new textbook for students and practitioners*, sellier ۲۰۰۷.

- S. Eselen, *a comparison of the remedies for breach of contract under the CISG and south Law* ,(basedow et al, eds, *aufbruch nach Europa- ۷۰ jahre max-plank-institut fur privatrecht, mohr siebeck;Tubingen* ۲۰۰۱).

- Treitel (G.H.) - *The Law of contract*, ۶th ed, London, ۱۹۸۳.

Uncitral Digest of case Law on the United Nations convention on contracts for the international sale of Goods United Nations, New York, ۲۰۱۲.

Will, Michael, bianca-bonel, *commentary on the international sales Law* ,Giuffre ۱۹۸۷.

- Ying, colin, *time for delivery and early delivery:comparison between the provision of CISG articles ۳۳ and ۵۲ (۱)and the counterpart provisions of the PECL (articles ۷:۱۰۳).an international approach to the international of the united nations convention*, ۲۰۰۷.

